

## گفت وگویی شهروند با پویان طباطبایی و محمود معراجی هنرمندان شرکت کننده در «شش هفته با هنر ایران» گفت وگو: نیاز سلیمی

مجموعه ی شش هفته هنر ایرانی در روز یکشنبه 15 جولای در محل گالری ( هد بونز ) و با حضور جمع کثیری از دوستداران هنر افتتاح شد. دو هنرمند شرکت کننده در اولین نمایشگاه این مجموعه، پویان طباطبایی و بهزاد آدینه، در کنار عکسهای به نمایش گذاشته شده با ابتکار و خلاقیت هنری در ارائه ی فرمهایی نو و متفاوت از رقص، موسیقی و نمایش فیلم، اعجاب و تحسین بینندگان را برانگیخته اند. در ضمن علاوه بر ارائه حرفه ای آثار متفاوت و چشمگیر هنری حضور و برخورد صمیمانه هنرمندان این نمایشگاه و پذیرایی گرم با ارائه بهترین شراب و پنیر موجود، این شب را به یکی از نقطه عطف های مراسم مشابه در این شهر تبدیل کرد.

رضایت و تحسین میهمانان در انتهای این برنامه من را موظف می کند که به عزیزان خواننده توصیه کنم سعی کنند حتما در یکی از چند افتتاحیه این مجموعه شرکت کنند چرا که گردهم آوری و ارائه کاری در این حد، اتفاقی است نادر. دوستان هنرمند، خسته نباشید و با امید اینکه سالهای آینده نیز شاهد برگزاری این مجموعه باشیم.  
ن. س

### 6 هفته با هنر ایران و 6 علامت سنوال؟

پویان طباطبایی: فکر می کنم اولین علامت سنوالها با این جواب، پاسخ بدهم که این 6 هفته با هنر ایران از کجا شروع شد.

تقریباً 3 ماه پیش در جمع گروهی از هنرمندان ایرانی، تصمیم گرفتیم تا در زمینه ی هنرهای تصویری و تجسمی کاری انجام بدهیم و بعد از آن در فکر پیدا کردن محل مناسبی برای نمایش بودیم که خوشبختانه ، و من این پروژه را مطرح کردم که مورد HeadBones همزمان شد با انتخاب من به عنوان مدیر هنری گالری استقبال مدیران گالری قرار گرفت. این اولین باری است که یک گالری کانادایی تمام زمان و امکاناتش را در اختیار یک پروژه ی بزرگ ایرانی می گذارد. اتفاق این نمایشگاه از آنجا شکل گرفت.  
فکر می کنم علامت سنوال دوم این باشد که چرا 6 هفته؟

فکر اولیه ی این نمایش 8 هفته بود ولی به دلیل محدودیت زمانی چه در رابطه با دعوت از هنرمندان ایرانی، بخصوص هنرمندانی که در دنیای هنر شناخته شده اند و چه در زمینه ی جمع آوری کارها و تصمیم گیری برای نحوه ی اجرا، قرار بر این شد که نمایش 6 هفته باشد. هدف هم این بود که 6 هفته نمایش با 6 هنرمند انجام شود، ولی خوشبختانه در طول برنامه رویی ها بر تعداد هنرمندان افزوده شد. در ضمن می خواستیم که بیننده یک مجموعه ی تقریباً یک دست و مرتبط را ببیند که دچار خستگی ذهنی نشود.  
علامت سنوال بعدی را با نگاه به این نمایش جواب خواهیم داد.

6 هفته با هنر ایران دارای 4 ویژگی است.

اولین و مهمترین آن نگاهی ست گذرا بر حرکت مدرنیسم در ایران در شاخه هنر های تصویری و تجسمی. حضور نسلهای مختلف هنر مدرن و با توجه به حضور محسن وزیری مقدم از پیشگامان هنر مدرن ایران و شاید به تعبیری پدر هنر مدرن ایران و هنرمند سال اروپا در سال 2006 ؛ خانم شمسی شاهرخی که آثار اخیرش، نقاشی به وسیله ی حرارت، اکثر جوایز مسابقات نقاشی اخیر کانادا را دریافت کرده اند؛ محمود معراجی هنرمند بزرگ ایرانی که در این نمایش مشاور و راهنمای من بوده و هست؛ صادق تیرافکن عکاس برجسته ی ایران؛ بهزاد آدینه؛ علی کامران برنده ی جایزه ی پوستر سال نیویورک؛ پویان طباطبایی؛ و جوان ترین هنرمند این مجموعه مهرداد معراجی که باید گفت بی شک یکی از بااستعداد ترین هنرمندان جوان در کشور کاناداست.

باید گفت تا حد بسیار زیادی از تمام نسلهای هنر مدرن نماینده ای وجود دارد.

حضور تقریباً تمام نسلهای هنر مدرن در یک نمایشگاه اتفاقی است نادر و من به شخصه در آمریکای شمالی خاطره ای از چنین فعالیت گسترده ای ندارم.

نکته دوم: نمایشگاه ارتباط هنرمندان از طریق فرهنگ مشترک است.

تمامی هنرمندان شرکت کننده در این نمایشگاه دارای تحصیلات متفاوت، محل تحصیل متفاوت، محل زندگی متفاوت و ابزار متفاوت هستند، ولی نقطه ی اشتراک آنان ایرانی بودن آنان است.

نکته سوم: هنر ایرانی، هنرمند ایرانی.

همه ی وظایف نمایشگاه از برنامه ریزی تا اجرا به وسیله خود هنرمندان شرکت کننده انجام شده و حتی هزینه ها هم بوسیله ی من و کمک دوستان هنرمند پرداخت شده است.

نکته چهارم: گفتگو در شرایط موجود و نگاهی به فرهنگ ایرانی در جامعه کانادا. با توجه به اینکه ما یک اقلیت در حال رشد در کانادا هستیم و در ضمن هنر قدرتمندی داریم و امروز که دوباره هنر مشرق زمین در حال رسیدن به جایگاه ویژه ای است و به شدت در کانون توجه قرار گرفته تلاش بر این داریم تا بتوانیم آینه ای باشیم از هنر پویای ایرانی و در ضمن بتوانیم بین هنرمندان خودمان با هنرمندان کانادایی و فضای هنر کانادا گفتگو ایجاد کنیم.

ممنونم پویان جان. این توضیحاتی که دادی تقریباً 10 تا علامت سوال دیگر برای من ایجاد کرد. اگر مایل باشی سریع به اینها میپردازیم و هر کدام را که مایل بودی باز خواهیم کرد.

اولین سوال شاید این باشد که در صحبتها گفتی "در جمع گروهی از هنرمندان ایرانی تصمیم گرفتیم تا در زمینه هنرهای تصویری و تجسمی کاری انجام بدهیم"، تو به عنوان کسی که برنامه ریز اصلی این نمایشگاه بوده و حالا هم به عنوان مدیر و رابط آن کار میکنی، آیا برای چنین تصمیمی، هنر هنرمند برایت مهمتر بوده یا خود هنرمند؟ منظورم این است که آیا انگیزه ی مطرح کردن هنرمند جذاب تر بوده یا آثاری که ضرورت مطرح شدن داشته اند.

پویان طباطبایی: فکر می کنم باید به این سوال در دو بخش پاسخ بدهم. همانطور که گفتیم این تصمیم جمعی بوده و به این جمع بندی رسیدیم که (اینجا به عنوان یکی از هنرمندان شرکت کننده حرف می زنم و نه به عنوان مدیر برنامه) اولاً چرا خودمان این کار را انجام ندهیم. دوم اینکه وقتی خودمان تصمیم گیرنده هستیم کارها با دقت بیشتری انتخاب می شوند و چون نگرش مالی پشت این نمایشگاه نیست جمع کارها خیلی عمیق تر و با آزادی بیشتر کنار هم قرار می گیرد که بالطبع نمایشگاه را پر بارتر می کند.

اما این که چرا این هنرمندان؟ چون هدف ما این است که بتوانیم این نمایشگاه را هر ساله برگزار کنیم، مطمئناً باید تلاش بر این باشد که بتوانیم بیشترین توجه را به این رویداد جلب کنیم. پس در قدم اول سعی کردیم از هنرمندانی دعوت کنیم که در دنیای هنر شناخته شده اند و اکثراً جوایز بین المللی دریافت کرده اند و این در جذب بیننده تأثیر بسیاری خواهد داشت. در ضمن تلاشمان بر این است که ارزش کارها و کیفیت اجرای نمایشگاه بیننده را در سالهای آینده نیز به این نمایشگاه برگرداند. مسئله ای که باعث دلگرمی همه ی ماست این است که ما با 4 هنرمند شروع کردیم و بعد به 8 رسیدیم و امروز 12 هنرمند شرکت کننده داریم و هنوز هم هنرمندانی هستند که برای شرکت در نمایشگاه ابراز تمایل می کنند در حالیکه متأسفانه ظرفیت ما تکمیل شده و برنامه ی امسال بسته شده. ولی مطمئناً در سالهای آینده از تمامی علاقمندان دعوت خواهیم کرد.

سوال بعدی این است که گفتی امروز دوباره هنر شرق مورد توجه غرب است. در این برخاستن مجدد هنر شرق از خاکستر، نقش سیاست روز را چقدر می بینی؟ و یا اینکه به نظر تو هنر شرق واقعاً جهش کرده؟ پویان طباطبایی: به نظر من با توجه به شرایط امروز، نفس شرقی بودن سیاسی است، ولی ما در این نمایشگاه مد نظرمان فقط کار فرهنگی است و بس.

اگر برگردیم به تاریخ هنر، وقتی که کمال الملک ایرانی به اروپا میروید تا با هنر اروپایی و تکنیک های غرب آشنا بشود، اروپا رنسانس را پشت سر گذاشته و در حال وارد شدن به مرحله جدیدی است که نهایتاً به مدرنیسم منتهی می شود. در همان موقع هنر غرب نگاه و توجه ویژه ای به هنر شرق داشت و میشود گفت که تکنیک و اصول تصویری مینیاتور شرق و خصوصاً مینیاتور ایرانی، پایه و اساس مدرنیسم شد. در همان دوره هنرمندان بزرگی مثل ماتیس، ادوارد مونش، گوستاو کلیمت و ایگون رودن به مینیاتورهای ایرانی توجه زیادی نشان داده اند.

پس هنر شرق همیشه غنی بوده و هر وقت که دنیای هنر در حال تغییرات مهمی بوده، از هنر شرق بهره گرفته.

دلیل دیگر مطمئناً شرایط سیاسی موجود است و ما به زودی شکوفایی هنر کشورهای همسایه را هم خواهیم دید.

مورد دیگر نگاه امروز جهان به موضوع فرهنگ هاست و امروزه مردم علاقمند به آشنایی با فرهنگ های مختلف هستند و اصولاً برای آشنایی با فرهنگ یک جامعه هنر نقش تعیین کننده ای دارد و به عقیده ی من هنر تصویری امروز جایگاه ویژه ای در این حرکت دارد چرا که فاقد محدودیت زمان و زبان است. حتی مطبوعات هم امروز به سمت تصویری شدن پیش میروند. بخصوص در کشور چند ملیتی مثل کانادا زبان محدودیت های زیادی برای مهاجران ایجاد میکند که خوشبختانه هنر تصویری به راحتی این مشکل را حل می کند.

همیشه اقلیت خاصی مشتریان، دوستان و حامیان هنر و فرهنگ هستند، اما امروز از دید مشخص شرق و فرهنگ آن در زیر فشار اتهاماتی از قبیل عقب ماندگی، خشونت طلبی و بربریت است. سؤال این است که آیا اهمیت امروز هنر شرق نشانه ی تلاش روشن فکری است که سعی می کنند برای مقابله با این تبلیغات مشرق زمین را از طریق فرهنگ و تاریخ آن معرفی و مطرح کنند و یا اینکه هنر مشرق زمین واقعا دچار تغییر عظیمی شده؟

پویان طباطبایی: مطمئناً جهش حرکت مدرنیسم در ایران قابل بررسی است. میشل فوکو اندیشمند فرانسوی معتقد است که این جهش بخصوص پس از انقلاب اسلامی قابل رؤیت است. اما آیا این توجه به خاطر فشار روشنفکران هست؟ میشود گفت هم بله و هم نه. چون درمیان خود روشنفکران نظریات مختلف و دیدگاه های مختلفی وجود دارد و گروهی کمک می کنند و گروهی خیر. دلیل دیگر این توجه به نظر من بازار فروش و علاقه خریداران آثار هنری با توجه به شرایط موجود است.

**آیا در مجموعه اهدافتان برای این نمایشگاه ها با توجه به نظرات موجود درباره ایران و هیاهوی انرژی هسته ای و ... این فکر وجود داشت که به نوعی از ایرانی و فرهنگ او اعاده حیثیت کرده باشید؟**

محمود معراجی: مطمئناً یکی از انگیزه های برگزاری این نمایش همین موضوع برخوردهای متعصبانه ی امروز با فرهنگ ماست. گروهی با برنامه ریزی حساب شده به ریشه هایی که ما و حتی دنیا به آن افتخار می کند لطمه می زنند. من فکر می کنم این مسئله برای هر ایرانی برخوردار است بخصوص برای افرادی مثل ما که خارج از ایران زندگی می کنیم و این جریاناتی که در نشریات، سینما و غیره ... در حال ضربه زدن به فرهنگ ما هستند را بیشتر لمس میکنیم.

همین طور که پویان گفت تمام افرادی که در این نمایشگاه کار ارائه کردند در جهان و یا در همین کانادا دارای جایگاه و احترام هستند و می توانند از اعتبارشان برای عرضه ی فرهنگ ایرانی بهره بگیرند.

**چهره های شرکت کننده در این نمایش تقریباً تمامشان چهره هایی هستند که خارج از فضای غیر ایرانی بسیار موفق بوده اند و در واقع نمایندگان معتبری برای جامعه بوده اند. حال با توجه به اینکه امروز تورنتو یکی از مراکز بسیار منسجم و تعیین کننده ی ایرانیان خارج از کشور است، خصوصاً در زمینه ی هنر، می خواهم از برنامه ریزی های آینده تان برای استفاده از این هنرمندان توضیح بدهید.**

پویان طباطبایی: به همان اندازه ای که تعداد هنرمندان و فضای هنری قوی در جامعه ایرانی کانادا وجود دارد، متأسفانه به همان اندازه عدم حمایت، خصوصاً حمایت مالی از هنرمندان و درک ضرورت اهمیت رشد و عرضه ی هنر در جامعه مهاجر ما محسوس است. این مشکل یا به خاطر مشغله ی زندگیست یا دلایل دیگری دارد که از مجال این گفتگو خارج است.

امیدوارم امسال با حمایت حضوری جامعه ی ایرانی و تلاش دوستان برگزار کننده، کاری خوب عرضه بشود تا در سال آینده با برنامه ریزی طولانی تر و جلب حمایت مالی ایرانیان کانادا، برنامه ی بزرگ تری با حضور تعداد بیشتری از هنرمندان اتفاق بیافتد.

همانطور که قبلاً هم گفتم در طول این 2 ماه تلفنهای زیادی داشتیم از طرف هنرمندان و ابراز تمایلشان برای شرکت در این رویداد و این شاید یکی از بهترین دلگرمی های ما خواهد بود برای برگزاری رویدادی بزرگ تر در سال آینده.

محمود معراجی: من اضافه می کنم که محدودیت زمانی در برگزاری این نمایشگاه شاید عامل اصلی بازدارنده ی ما بود برای دسترسی به دوستان هنرمند دیگر. من به عنوان فردی که با پویان آشنایی بیشتری دارم، به شخصه ناظر زحمات و تلاش های شبانه روزی او برای هر چه بهتر برگزار شدن این برنامه بوده ام. برای پیش بردن این حرکت خودجوش تقریباً تمام هزینه ها را او شخصاً به عهده گرفته و کلیه ی امکاناتش را هم در اختیار این برنامه قرار داده در صورتی که هیچ چشم انداز روشنی در ارتباط با بازگشت این سرمایه نیست. از نظر من یکی از نکات مثبت و مشترک هنرمندان شرکت کننده در این نمایشگاه، پویا بودن و نگاه پیشرو داشتن و جسارت نوآوری در کار بوده. منظورم نوآوری در شکل برگزاری این برنامه است.

پویان طباطبایی: در سال آینده یکی از نمایشگاه های ما، نمایشگاه گروهی خواهد بود که گروهی داوری کارها را بر عهده خواهند گرفت. یادمان باشد که قبول نشدن یک اثر هنری در یک نمایش به معنای ضعف اثر هنری نیست. این بدان معناست که اثر مورد نظر یا با سلیقه گروه داوری همخوانی نداشته و یا با موضوع نمایش رابطه برقرار نمی کرده است.

محمود معراجی: در بینال های هنری و نمایش های جمعی همیشه گروهی به عنوان داور تعیین می شوند که آثار عرضه شده را بررسی و از میان آنها انتخاب کنند. به اعتقاد من بهتر است که هنرمندان شرکت کننده، نظر نهایی را بپذیرند چرا که گروه داوری که انتخاب میشود دارای نگاه و سلیقه فردی است و هیچ گروه داوری نمی تواند به طور جامع و کامل تمام جوانب را در بر بگیرد.

طبعاً برگزاری این نمایشگاه قرار است که چندین دست آورد داشته باشد. یکی از مهم ترین بخش های چنین کاری معرفی جامعه و فرهنگ ایرانی به جامعه ی میزبان است. در رابطه با این مسئله و با توجه به اینکه جامعه ی ایرانیان تورتو که حدود بیست و پنج سال پیش شکل گیری آن آغاز شده و جامعه ای است بسیار جوان و هنوز درگیر یافتن هویت ویژه ی خود بین ایرانی بودن و کانادایی بودن و ایرانی - کانادایی بودن؛ حاصل این نمایشگاه برای این جامعه چیست و آیا تولیدات فرهنگی و هنری از این دست قادرند با ایجاد پیوند بین این افراد به انسجام آن کمک کنند؟ آیا هنری که امروز اینجا تولید و عرضه می شود این توانایی را دارد که در تعیین و تثبیت این هویت نقشی ایفا کند؟

پویان طباطبایی: من فکر می کنم به گونه ای جواب این سنووال را بالاتر دادم. همانطور که اشاره کردم تمام هنرمندان شرکت کننده در این نمایش با ابزار متفاوت، تحویلات متفاوت، محل زندگی متفاوت و ... حضور دارند یا به عبارتی در چندین شرط اصلی که شخصیت کاری یک هنرمند را می سازد با هم متفاوت هستند. یک نکته بزرگ مشترک وجود دارد و آن ایرانی بودن است. اسم نمایشگاه سوم هست "هنرمندان ایرانی، دیداری مجدد با فرهنگ ایران". تلاشمان در این نمایش بر این خواهد بود تا نشان بدهیم با تمام تفاوتها، برای ایران و فرهنگ ایرانی، در کنار هم قرار می گیریم و شاید در آینده این موضوع را بشود در جامعه مهاجر ایرانی در ابعادی وسیع تر برگزار کرد.

نکته ی دیگر این است که اصولاً جامعه ایرانی همیشه در انتظار یک قهرمان است و قهرمان پروری بخشی از تاریخ و شخصیت ماست. و به زبانی دیگر همیشه در انتظار آقای گودو هستیم ( در انتظار گودو - ساموئل بکت).

ما در این نمایشگاه خودمان بدون انتظار از کسی کار را شروع کردیم و تا اینجا هم پیش بردیم. ما در این تاریخ 25 ساله حضور در کانادا و بعد در فضای بزرگتر ایران، همیشه در زمینه ی کار گروهی دچار مشکل بوده ایم و علاقه به رهبری و عدم ایجاد فضای گفتگو همیشه برای ما باعث هزینه های زیادی شده و نمونه آشکار علت حضور ما در کانادا است. خوشبختانه در این نمایشگاه همانطور که اشاره کردم تمام کارها جمعی صورت گرفته و همیشه فضا برای شنیدن نظرات آماده بوده است.

نکته بعدی، مشکلات مالی ست و عدم حمایت جامعه ایرانی کانادا از هنرمند و اتفاقات هنری در حدی که درخور توان این جامعه باشد. خوشبختانه میزان ثروت و درآمدهای موجود در جامعه ایرانی - کانادایی به اندازه ای است که بتوان با اتکال به آن کارهای فرهنگی چشمگیری انجام داد، اما متأسفانه توانمندان این جامعه کلاً از هنرمند حمایت نمی کنند و یا بدون اطلاع کافی از جریانی پشتیبانی می کنند که بازتاب و انعکاس شایسته ای در بر ندارد.

در تاریخ هنر، خصوصاً در اوایل قرن 19 از این جریانات گروهی خود ساخته زیاد داریم که برای همه هنرمندان پیام آور موفقیت بوده اند و نقطه ی عطفی شدند برای اتفاقات هنری بسیار موفق و تأثیرگذار. امیدوارم که این نمایش هم بتواند اتفاق تأثیرگذاری باشد برای حرکتهای هنری ایرانیان کانادا در آینده.

وقتی از جامعه ی موفق صحبت می کنیم طبیعتاً بخشی از این، موفقیت های اقتصادی جامعه است. هنگامی که یک سرمایه دار در جامعه ی میزبان موفق می شود تصور می کند که از طریق موفقیت اقتصادی شخصی خود جامعه را معرفی کرده و به آن اعتبار بخشیده است. بخش دیگر موفقیت های آکادمیک است که باز فرد با توجه به توانایی های فردی خود کسب موفقیت کرده و از آن طریق برای جامعه اعتبار فرهنگی ایجاد می کند. یک دانشجو می تواند به راحتی وام بگیرد و در رشته ی مورد نظرش تحصیل کند و آینده ی شغلی مناسبی داشته باشد. این طبعاً موفقیتی فردی است. در اینجا به نظر می آید که فقط هنرمند است که در یک تنگنای مالی- ارتباطی قرار می گیرد. هنرمند می تواند با اتکا به دانش و هنر خودش کار تولید کند، اما با اتکا به همان ابزار نمی تواند کارش را عرضه کند و به موفقیت و از جمله خودکفایی مالی برسد. ( نظیر چنین شرایطی برای هنرمند کانادایی هم کم و بیش وجود دارد. ) حالا چطور می شود به جامعه قبولاند که موفقیت های فردی افراد جامعه به تنهایی کافی نیست. چگونه می شود جامعه را برای حمایت از بخش های فرهنگی بسیج کرد تا گفتگوی فرهنگ ها غنی تر و جدی بشود. به نظر شما برای ایجاد مخاطب و حامی چه باید کرد؟

پویان طباطبایی: فکر می کنم این سنووال را محمود باید جواب بدهد. من فقط به چند نکته ی کوتاه اشاره می کنم. همانطور که مطرح کردی این مشکل متعلق به جامعه هنر به طور کلی است و فقط مربوط به ما نمی شود. در ضمن در رابطه با جامعه مهاجر این موضوع تشدید می شود چرا که اولاً جوامع مهاجر جمعیت کمتری دارند و بالطبع منابع مالی کمتر. دوم اینکه در مقایسه با جامعه ی میزبان ما با شرایط مشکل تری درگیر هستیم.

نکته دیگر این است که امروزه در جوامع اروپایی و مدرن حرفه ای وجود دارد به نام مشاور هنری و نماینده هنری. این گروه واسطه ای می شوند بین هنرمند و منابع مالی موجود و شغل این گروه این است که هنر را به جامعه معرفی کرده، چشم جامعه را به روی ارزش های هنری و جایگاه هنر باز کرده، و سفیر هنرمندان باشند.

متأسفانه بجز اواخر دوره پهلوی که تا حدودی این شاخه در ایران رشد کرد و چندین مشاور هنری خوب وجود داشتند و تا حدودی هنر ایران را در اروپا معرفی کردند، ما در ایران هیچ گاه یا مشاور هنر نداشتیم و یا فاقد مشاور هنری ورزیده و آگاه بودیم.

محمود معراجی: همانطور که نیاز متذکر شد، یک جامعه به طور سیستماتیک دارای چند بعد است. اگر اقتصاد بدنه ی اجتماع را شکل بدهد، مطمئناً هنر نقش روح جامعه را خواهد داشت. جامعه ی پویا و موفق دارای یک رابطه نزدیک و تنگاتنگ بین این دو فاکتور است. در جوامعی مانند اروپا که از این نظر دوره های تاریخی موفق را پشت سر گذاشته اند، این یک موضوع تثبیت شده است. امروزه به علت افزایش تعداد هنرمندان و رقابت شدیدتر دسترسی به این مشاوران و فروشندگان آثار هنری بسیار سخت شده و برای رسیدن به بالای هرم این مشاوران احتیاج به تلاش مضاعف است. حضور این افراد دایره ی چرخش مالی و ارتباط هنر و سرمایه را کامل می کند. در گذشته این چرخه ناقص بود. به طور مثال در اروپا در دوره رنسانس نقاشان در زیر چتر حمایت کلیسا بودند و در ایران دربار حامی هنرمندان بود، اما به خاطر این که وابستگی ها به استقلال هنرمند صدمه می زد این چرخه دچار مشکل میشد، اما امروزه این مشاورین و فروشندگان به طور انفرادی کار کرده و فضا را برای عرضه فروش کارهای جدی باز کرده اند.

**امروزه فضای اینترنت برای خودش جایگاه ویژه ای پیدا کرده. در این فضا هم، خیلی از آثار هنری یا به سرعت می روند و یا از آن ها استفاده ی غیر قانونی می شود. در ضمن این امکان بازار فروش گسترده ای هم ایجاد کرده است. به نظر شما هنرمند چگونه می تواند بدون اینکه آسیبی حقوقی تحمل کند از این امکان بهره بگیرد؟**

پویان طباطبایی: فضای اینترنت مثل هر پدیده ی دیگری دارای نکات مثبت و منفی بیشماری است. یکی از بزرگترین نکات منفی آن استفاده ی غیر قانونی از آثار هنرمندان است بدون کسب اجازه و حتی آگاهی هنرمند. به همین دلیل چند سالی است که انجمن های بزرگی تشکیل شده از جمله انجمن عکاسان آمریکا که هنرمند عکاس با عضویت در آن کارش را بیمه می کند و اگر از اثری بدون اجازه و رضایت هنرمند استفاده شود، این انجمن، فرد یا شرکت مورد نظر را به دادگاه کشیده و از حقوق هنرمند دفاع میکند. البته به نظر من برای هنرمند شناخته شده که همیشه با خطر استفاده ی غیر قانونی از آثارش روبرو است این اتفاق مثبتی نیست و نهایتاً باعث تکتیر کار و تنزل قیمت آن می شود، اما برای هنرمند آماتور و یا تازه کار این فرصتی است برای دیده و مطرح شدن حتی اگر استفاده از کار بدون اجازه ی او صورت گرفته باشد. امروز یکی از علائم مهم و تعیین کننده در ارتباط با یک اثر هنری تعداد بیننده های سایت هایی است که این آثار در آنها به نمایش گذاشته شده اند.

اما این که چطور بیشتر دیده بشویم باز برمی گردد به همکاری و حمایت جامعه به عنوان اولین حلقه این زنجیر. موتورهای جستجوی اینترنتی توجه خاصی به تعداد لینک هایی که به یک سایت داده شده دارند. ما ایرانی ها چهارمین وبلاگ های بزرگ دنیا هستیم، ولی متأسفانه به ندرت میبینیم که در این وبلاگ ها به سایت های هنری لینکی داده شده باشد. تجربه ی بمب گوگلی خلیج فارس دلیل بسیار خوبی برای این موضوع بود. حمایت ایرانیان از سایتی که یکی از دوستان ساخته بود و دادن لینک های متعدد به آن باعث شد تا در تمام ماشین های جستجو برای لغت خلیج فارس و خلیج عربی این سایت اولین انتخاب باشد.

**با تشکر از هر دوی شما آخرین سوال این است که شش هفته با هنر ایران کی و کجا؟**

در شهر تورنتو، از تاریخ 15 جولای 2007 تا 27 آگوست 2007 میزبان هنر ایرانی خواهد بود Headbones گالری بود.

شش هفته با هنر ایران، با مدیریت پویان طباطبایی و با حضور بیش از ۱۵ هنرمند ایرانی برگزار خواهد شد. این مجموعه در قالب چهار نمایشگاه با حضور هنرمندانی چون محسن وزیری مقدم به عنوان یکی از پیشگامان هنر مدرن در ایران، محمود معراجی، شمسای شاهرخی، صادق تیرافکن ... و مهرداد معراجی به عنوان جوانترین هنرمند حاضر در این نمایش، نگاهی گذرا بر چگونگی حرکت مدرنیسم در ایران خواهد داشت.

نمایش اول: سفری در رویاهای من (15 تا 25 جولای)

نمایش کارهای عکاسی پویان طباطبایی

هنرمند در این نمایش، بیننده را به دیدار نادیده ها دعوت می کند. قرمزی که در سفیدی می تپد و سفیدی که در سفیدی گم می شود. تلاش می کند تا بی رنگ ترین باشد، در این سفیدی و قلب کوچک قرمزش همچنان می تپد.

نمایش دوم: پیچ و خم های رمزآلود ایرانی ( 27 جولای تا 3 آگوست)

مجموعه ای از کارهای رنگ و روغن و آکرلیک محمود معراجی.

معراجی، با بیش از سی سال تجربه کاری و اعتبار بین المللی در هنر نقاشی، در این نمایش چشمها را به تماشای درهم آمیختن خطوط ایرانی و رنگها دعوت می کند. آنجا که خطی بر خطی می آمیزد و ترکیبی نو می شود. رنگی بر رنگی می نشیند و من، تو می شوم و تو، من.

ما را برای لحظه ای دعوت به ابدیت می کند و میزبان نگاه های پر حرارت ما می شود.

مراسم افتتاحیه در روز ۲۷ جولای از ساعت ۶ تا ۱۰ شب برگزار خواهد شد. همچنین نمایش فیلم کوتاه مستند در ارتباط با هنرمند مذکور و موسیقی زنده از دیگر بخشهای مراسم افتتاحیه خواهد بود.

نمایش سوم: هنر ایرانی، هنرمند ایرانی ( 4 تا 15 آگوست)

نمایشگاهی از مجموعه کارهای هفت هنرمند ایرانی در زمینه هنرهای دیداری.

هفت هنرمند ایرانی با نگاهی متفاوت و ابزار کاری مختلف در کنار هم، بار دیگر ما را به دیدار مجدد فرهنگ ایرانی دعوت می کنند. این نمایش مجموعه ای است از کارهای صادق تیرافکن(عکس)، مهرداد معراجی(نقاشی)، بهزاد آدینه (مجسمه)، شمسی شاهرخی(نقاشی)، محمود معراجی(نقاشی)، علی کامران(پوستر)، و پویان طباطبایی (عکس).

مراسم افتتاحیه نمایشگاه روز ۴ آگوست از ساعت ۶ تا ۱۰ شب به همراه نمایش فیلم مستند در ارتباط با هنرمندان شرکت کننده، در کنار اجرای قطعه ای از تئاتر خاکستر به خاکستر توسط گروه " لماز" به کارگردانی وحید رهبانی و مدیریت لوون هفتوان، برگزار خواهد شد.

نمایش چهارم: خوشه های نور (18 تا 27 آگوست)

نمایشگاهی از هنر نقاشی محسن وزیری مقدم.

وزیری مقدم، ساکن کشور ایتالیا بوده و کشور کانادا برای اولین بار میزبان استاد محسن وزیری مقدم و هنر نقاشی وی خواهد بود. او قدرت هنر مغرب زمین را با رنگ مایه های فرهنگ مشرق زمین درهم می آمیزد و در بی مکان ترین صفحه هستی ( بوم )، جاودانه ترین فرم ها را در کنار هم قرار می دهد. وزیری، مردی است که از دستانش نور می چکد.

این نمایشگاه در روز ۱۸ آگوست از ساعت ۶ تا ۱۰ شب به همراه اجرای نمایش "خلقت" به کارگردانی بهزاد آدینه و موسیقی زنده به دنبال نمایش فیلمی کوتاه در ارتباط با محسن وزیری مقدم، افتتاح خواهد شد.



برای دریافت اطلاعات بیشتر لطفاً از سایت

دیدن بفرمایید. <http://www.pnvp.com/artshow>

پویان طباطبایی

تلفن تماس: ۴۱۶-۷۳۱-۷۷۹۷

[pooyan@pnvp.com](mailto:pooyan@pnvp.com) پست الکترونیکی: